

## برگزیدگان جشنواره ملی

## «عکس واقعه»

برگزیدگان جشنواره ملی «عکس واقعه» با حضور رئیس پژوهش‌های مرکز مطالعات تقریب مذاهب سازمان مرکزی دانشگاه آزاد اسلامی، حمیده جعفری رئیس دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، امین مفتاحی معاونت امور دانشجویی و فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب و جمعی از اعضای هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب در مجتمع

دانشگاهی واحد تهران جنوب برگزار شد. حدود ۳۱۵۰ اثر در محورهای ایثار، شهادت، دلدادگی، ایمان، مهرپانی، صبر، استقامت، امر به معروف و نهی از منکر، ایستادگی، اخلاق، آداب، تربیت، فرهنگ سخاوت و جوانمردی و خانواده به دبیرخانه جشنواره ملی عکس واقعه ارسال شد که پس از بررسی هیات داوران در نهایت ۶۰ اثر به مرحله دوم داوری راه پیدا کردند و سه اثر نیز به‌عنوان برگزیده

**گفت‌وگوی «جام جم» با محمد مهدی انوشفر، هنرمند سفالگر**

# آینده پر امید با جوانان جست‌وجوگر

**محمد مهدی انوشفر** را باید از یگانگی کوشش‌ها و بی‌همتایی دستاورد هایش شناخت. او بخش مهمی از میراث بسیار کهن این آب

**و خاک را چونان** کیمیگران سخت‌کوش و فروتن و گمنام از نو زنده کرد و آفرینشگرانه به کیمیگری تحسین برانگیز ایرانیان، بهایی‌ستِ **و سرافرازی مامسرانه** هدیه داد. کیمیگری نیاکان ما همین است که از خاک بی‌قدر و پاخورده با یاری دانش و اندیشه، چه

**لعب‌ها و کاشی‌های بس هنری** پدیدآورده و به سربلندی‌مان افزوده‌اند. انوشفر دانش‌آموخته دانشگاه تهران و مدرس مجسمه‌سازی در دانشکده هنرهای زیبای این دانشگاه است. او برای تکمیل دروس و مطالعه درباره سفال میراث، سرامیک و چینی، چه سفرها به پاکستان، هند، یونان، ایتالیا و... داشته است. از رخداد‌های هنری این دوران پژوهشی و سازندگی انوشفر مثلاً یک راز سر به مهر باستان‌شناسی ایران یعنی سفال خاکستری است که از رازهای دیرینه تمدن‌های باستانی پیش از اسلام بوده اما استاد از سازندگان آن است. همچنین ساختن لعب‌های زرین فام، کاشی‌های لعابدار ساسانی و سلجوقی و...، ساختن خرمره (مهره‌سازی)، ساختن بدنه‌های سرامیکی کتیبه‌های نیشابور و لعب‌های آن دوره، ساختن بدنه‌های سرامیکی سفال‌ها و کاشی‌های قاجار و... از کوشش‌های این استاد دانشگاه و دارنده نشان درجه یک هنری است. استاد انوشفر اگرچه به شدت از هم‌سخنی و گفت‌وگو پروا دارد و از مصاحبه پرهیز می‌کند اما این گفت‌وگوی دوستانه را از سر دوست‌گامی انجام داد.



علی مظاهری

گروه فرهنگ و هنر

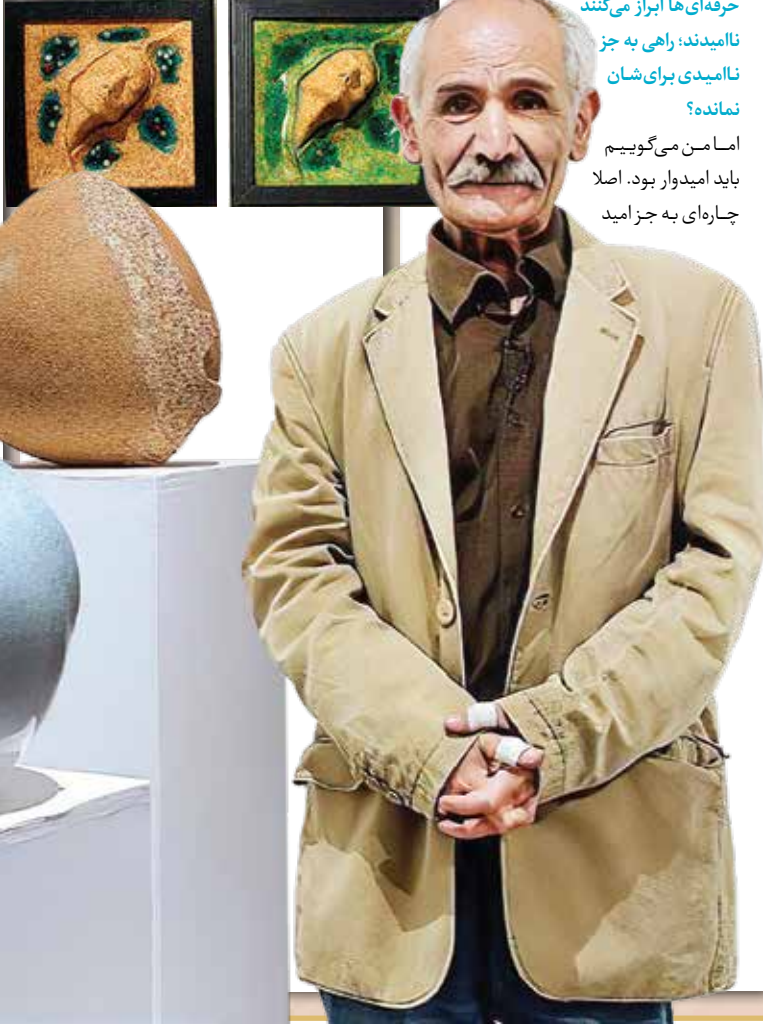
نداریم. فقط به آینده معتقدم. جوان‌ها را که

می‌بینم، می‌اندیشم می‌شود به اینها امیدوار بود. شاید روزی کسی شود مانند آن بزرگان مثلاً استادالبشر خواجه‌نصیر. الان قبول دارم که هنوز روح این آدم و همانند او هست و هنوز کمک

می‌کند.

**این‌که شما را یگانه استاد هنر سفالگری می‌خوانند؟**

حسم که خوب است. اقلایک آمیدی به این جوان‌ها می‌دمم. همین بس است! و دیگر نیازی به چیزی ندارم. همین که جوان‌ها امیدوار باشند که آدم‌هایی بودند که در این سرزمین زندگی کردند و رفتند ولی امید داشتند. امید خیلی مهم است. **چرا یگانه‌هایی مانند شما کم دیده می‌شوند با این‌که از نام و نشان گریزانید اما فضا باید شایق‌تان کند و پذیرای آموختن از شما باشد؟** نه! هرگز! من الان درها را بسته‌ام و کسی را به خلوت



معرفی شدند. بر همین اساس، آثار نسیم همتی، مجید حجتی و علی حسینی‌فر با داوری علیرضا عطاریانی، داوود یاراحمدی، حمیده جعفری، معصومه کریمی و عمار رحمانی به ترتیب اول تا سوم شدند. جشنواره ملی عکس واقعه از سری برنامه‌های امامت و مهدویت است که پیش‌رویداد جشنواره در قالب «قاب کوثر» به مناسبت تولد حضرت فاطمه (س) در ۲۷ آذر ۱۴۰۲ برگزار شد.

یک روح سرگردانم و واقعیت این است که خیلی سختی کشیدم تا به زرین فام رسیدم. در تبریز یک نمایشگاه و ورک‌شاپ بود. یکی از دانشجویان گفت شما که گفتی این دانسته‌ها را خودم پیدا کردم و به کسی هم یاد نمی‌دهم، پس چرا حال‌امی خواهی یاد بدهی! گفتم آن فوت کوزه‌گری را پیش خودم نگه می‌دارم؛ اگر می‌خواهی باید بروی آن فوت را یاد بگیری.

**دوست داریم شأن نزول این سخن زیانزد را از شما بشنویم!**

بگذار برای‌تان بگویم که یک استاد کوزه‌گری، شاگردی داشت و یک روز شاگردش به استاد می‌گوید ما دیگر اوسا شدیم و دیگر می‌خواهیم خودمان سفارش بگیریم و کار کنیم. استاد می‌گوید تا دو ماه دیگر صبر کن، نرو اما رفت و پس از مدتی برگشت. استاد ظرف‌هایی را که در کوزه می‌گذاشت، فوت می‌کرد و خاکش را با فوت می‌گرفت نه با ابزار دیگر. این فوت کوزه‌گری بود که شاگرد نمی‌دید و فقط چشمش دست استاد را می‌دید که ظرف‌ها را در کوره می‌چیند. سرازخ هم می‌دید سفال‌ها درخشان است. بافوت استاد وقتی آن خاک از زمین برود، سفال برق و شفاف می‌شود و می‌درخشد. **به خاطر همین شاگردت گفتن‌های استادان بوده که بسیاری از دانش‌ها و فنون باستانی ما به فنا رفته! کسی را محرم نمی‌دانستند از نابکار می‌ترسیدند یا دلیل دیگری داشته؟**

می‌ترسیدند دست زیاد شود. خوب! به من دیگر مربوط نیست که خیلی از هنرهای مابه‌خاطر چنین توجیهاتی به‌گوررخته، زیرخود من تلاش می‌کنم که پیدا بکنم. همراه با غریبلی شروه که شما یادش کردی، به قم می‌رفتم تا ببینیم این «خرمره» را چگونه می‌سازند. دوسال با شروه می‌رفتم قم ولی اصلاً ما را به کارگاهش راه نمی‌داد.

باکلی شیرینی و خبوه و چه و چه می‌رفتم، می‌گفت همین دم در بگذار برو. می‌گفتم ای‌بی‌انصاف همین؟ می‌گفت بله همین! اصلاً ما را به کارگاه خودش راه نمی‌داد.

**در شیراز و خانه‌های نوساز حتی به کسی یادیم که دست‌کم در ایوان و سردرها کاشی‌کاری ایرانی و کتیبه‌کار گذاشته‌اند. چرا این هنر دیرین ایرانی از شهرها، خانه‌ها و معماری‌ما حذف شده است؟** برای این‌که آدم‌هایی که میراث بسیار داشته باشند، قدر میراث‌های‌شان را نمی‌دانند. میراث‌آن هنر کاشی‌کاری هافت و مجانی به دست آمده، بدون زحمت رسیده، آب و خاک! کاشی از اول بخشی جدانشدنی از زندگی ما بوده. آب و خاک! همان کیمیاست! زرین فام خود کیمیاست! مولوی می‌گوید ما از اصل خودمان گم شدیم؛ اصل ما چیز دیگری بود، زمانی نه چندان دیر و دور بود که بر سردر خانه‌ها کاشی‌هایی با نام خدا و آیه و حدیث کار می‌گذاشتیم. حالا ممکن است پلاستیک بچسبانیم، برای همین می‌گویم از اصل خودمان گم شده‌ایم. مولوی بخوانید خیلی خوب است. خودش خیلی آدم عجیبی بوده؛ آن‌هایی که هیچ جانبند نمی‌شده. ذهنش به خلاقیت فرو می‌رفته و از اینجا به جای دیگری می‌رفته، هی می‌رفته و دائم حرکت می‌کرده؛ سلطان عارفان عالم.

**یکی از استادان دانشگاه بلغارستان دوستم بود. او پس از بازدید کشورمان به من گفت شما از بس دارید و پر هستید، کشورتان را نمی‌بینید!**

بله، از بخت یاری ماست شاید!



**زمانی که شروع کردم به «لعب» زرین فام» هیچ‌کسی چیزی نمی‌خواست آموزش بدهد. به همین خاطر می‌گویم من یک روح سرگردانم**

غریب است. این‌که، دوباره نگاه کن! مدائن بود اما حالا کجاست! اینها خاک شدنی‌اند از آن بالا به پایین فرومی‌ریزد و تبدیل به خاک می‌شود. درست مثل ما که کار ما نیز همین است.

**به کارهای خلاقه به آفرینشگری هاتان که فقط از دست شما برآمده دوباره نگاه کنید، به چه می‌اندیشید؟**

من فکر می‌کنم البته راجع به خودم که یک روح سرگردانم که دائم دارم حرکت می‌کنم، برای همین هم هست که هنوز کار می‌کنم. حافظ و سعدی و... سرداران و سروران ما بودند. با آنها کار ندارم که چگونه کار کردند. من با خودم کار دارم. وقتی شروع کردم با سختی و بدبختی بسیاری روبه‌رو بودم. هیچ‌کسی هیچ چیزی نمی‌خواست یاد بدهد و بیاموزاند. زمانی که شروع کردم به «لعب زرین فام» به‌ویژه، هیچ‌کسی چیزی نمی‌خواست آموزش بدهد. زمانی که یک سکه طلا آب می‌کردم، خاک پودر می‌کردم، هیچ‌کسی چیزی نمی‌خواست به من پیاموزد. به همین خاطر می‌گویم من

**شما با دیدن میراث‌های شگفت و شگرف ایرانی در موزه ویکتوریای لندن همه چیز را کنار گذاشتید و برگشتید به پژوهش درباره انواع کاشی و لعب پرداختید تا جایی که بزرگان باور دارند یگانه هستید!**

چندسالی است در تنهایی کامل هستم. اصلاً دلم نمی‌خواهد جایی بروم یا مرباشناسند. پنجاه سال دویدم کسی ما را نشناخت؛ هنوز هم نمی‌شناسد بعد از این هم ما را نشناسند مگر چه می‌شود! و چه اتفاقی می‌افتد؟ هیچی! من همین جوری خوشم؛ برای خودم زندگی می‌کنم. اصلاً به دیگران نیاز ندارم. در و پیکر را بسته‌ام و هیچ‌کسی را راه نمی‌دهم حتی بدتر از دوره کرونا. دوست ندارم. من دارم زندگی خودم را می‌کنم. آخر! یک جوان بیاید به من چه بگوید، چه بپرسد خودش باید بگردد و پیدا بکند. اگر چیزی می‌خواهند، بگردند و جست‌وجو کنند. همین کاری را که خود من کرده‌ام. به خدا خودم می‌دانم که بزرگ نیستم، هیچ نیستم. این را از اول می‌دانستم. ما فقط یک بادو در عالم هنر هستیم.

**سال‌ها پیشتر استاد پرویز تناولی نیز در کارگاهش به من بارها می‌گفت ما کارگری! این لقب‌ها چیست برای چهره‌های ماندگار هنر ایران؟**

بله، این هم هست؛ کارگر هم می‌شود هرچند فرقی با هم ندارند. برای این که زمان می‌گذرد. هم‌اکنون داشتم می‌نوشتم که ما کجا هستیم (کجای کاریم). آن همه سربازها و سردارها رفتند! فقط باید به آینده نگاه کرد؛ همین! بله با این‌که کار می‌کنم و کارکردن خیلی خوب است، به ویژه برای خودم اما می‌دانم که فایده ندارد زیرا ما اصل را فراموش کرده‌ایم. به قول مولوی، ما دورمانده از اصل خودمان هستیم. گمشده هستیم از اصل خودمان. گفتم که باید به آینده نگاه کرد شاید

امیدی باشد وگرنه ول معطلی!

**نام نمی‌برم: خیلی چهره‌ها و حرفه‌ای‌ها ابراز می‌کنند ناامیدی برای‌شان**

اما من می‌گویمم باید امیدوار بود. اصلاً چاره‌ای به جز امید

## مصورکردن هوش مصنوعی در قاب نقاشی



موضوع «هوش مصنوعی» در ماه‌های اخیر به سوزه‌ای جدی در عرصه هنر بدل شده و هنرمندان هم واکنش مختلفی به این موضوع نشان داده‌اند.

به تازگی نیز هوش مصنوعی سوزه یک نمایشگاه نقاشی شده و محمد محمدزاده تیتکانلو نمایشگاهی از نقاشی‌هایش را با موضوع هوش مصنوعی، به همت گالری ماهر در باغ موزه نگارستان تهران برپا کرده است.

محمدزاده تیتکانلو، نقاش، مجسمه‌ساز، عکاس و محقق تاریخ هنر است که پیش از این چندین نمایشگاه نقاشی و مجسمه برگزار کرده است.

او در تازه‌ترین مجموعه‌اش سراغ سوزه داغ هوش مصنوعی رفته و آن را وارد هنر کرده است. تیتکانلو در بخشی از استیتمنت نمایشگاه نوشته است: «پدیده هوش مصنوعی در آینده‌ای نه‌چندان دور، به تمامی راه‌حل‌های مرگ و زندگی مسلط خواهد شد و گرچه امروز ما به آن می‌گوییم چه می‌خواهیم اما فردا آن به ما خواهد گفت چه می‌خواهد!»

او در گفت‌وگو با جام‌جم درباره هدف خود از برپایی این نمایشگاه گفت: هدف از شکل‌گیری این مجموعه، مصور کردن پدیده هوش مصنوعی در قالب هنر نقاشی بود و روند شکل‌گیری آن در مرحله نخست، با مطالعه و شناخت این پدیده آغاز شد و مرحله بعد، پروسه یافتن یک قالب هنری در نقاشی بود که بتوان هوش مصنوعی را در آن تعریف کرد. مجموعاً این پروسه حدود دو ماه به طول انجامید. سبک طراحی و رنگ‌آمیزی مجموعه یک ماهه انجام گرفت. من برای این نمایشگاه ۱۰ اثر در ابعاد ۱۵۰ در ۱۰۰ سانتی‌متر کار کردم که در نمایشگاه به نمایش فرامد.

این هنرمند درباره انتخاب عنوان هوش مصنوعی و مفهوم آن برای این مجموعه شرح داد: موضوع هيجانی و جذاب هوش مصنوعی و بحث روز بودن این پدیده یکی از دلایل انتخاب این عنوان بوده است اما دلیل اصلی، ایجاد فرهنگ تخیل علمی در هنر ایران زمین است که از اهداف کلی بنده در خلق اثر هنری است.

این مهم در آثار قبلی من چه نقاشی و چه مجسمه نیز هویداست. من در این مجموعه از ترکیب دو سبک اکسپرسیونیسم و کوبیسم استفاده کردم و با تکنیک رنگ روغن روی بوم آنها را برای نمایشگاه آماده کردم.

این نقاش افزود: فلسفه خلق این آثار بیشتر بر جهان‌بینی‌ام استوار بوده است. گرچه همیشه ناخودآگاه نیم‌نگاهی به فلسفه تسلط ماشین بر انسان در فیلم متروپلیس (Metropolis) ساخته فریتز لانگ (Fritz Lang) داشته‌ام که انسان در آینده‌ای نه‌چندان دور، خود، برده ماشین‌آلات دست‌ساز خویش خواهد بود اما جست‌وجو و کنکاش در یافتن معانی مورد نظر درباره رابطه انسان و ماشین بسیار وسیع و گسترده است درحی که معتقدم جست‌وجو در باب پدیده هوش مصنوعی همچون خود این پدیده، بی‌پایان و ادامه‌دار خواهد بود.

## «فردای وطن»

**نمایشگاه «فردای وطن» با اجرای گروه سرود نغمه‌های افلاکی» لرستان به‌مناسبت دوازدهمین انتخابات مجلس شورای اسلامی منتشر شد. این نمایشگاه با شعری از محمدجواد الهی‌پور اثری با محوریت ایران است که با صدای گروه سرود نغمه‌های افلاکی لرستان به سرپرستی طاهر مرادی منتشر شده است. نیما علامه تنظیم و میکس، پیمان درخشان کارگردان، طاهر مرادی تهیه‌کننده صوت، شهاب عباسی صدابردار و ناظر ضبط، پیمان و مهدی درخشان تصویربرداران**

از دیگر عوامل این اثر

**هستند که توسط شهر سرود مرکز آوای انقلاب اسلامی (ماوا) - سازمان هنری رسانه‌ای اوج تولید شده است.**



کیواکبدر اسکن کنید

## نمایشگاه نوروزی عکس فرش در عکسخانه شهر

نمایشگاه عکس فرش‌های دوران قاجار با نمایشگاه‌گردانی کیانوش معتقدی، پژوهشگر هنر دوران قاجار و معاصر ایران این روزها در موزه عکسخانه شهر برپا شده و تا پایان فروردین ماه ۱۴۰۳ میزبان علاقه‌مندان است. در بیانیه این نمایشگاه آمده است: «آنچه در این نمایشگاه موضوع پژوهش و واکاوی بوده، مطالعه

جایگاه «فرش ایرانی» در ترکیب‌بندی و صحنه‌پردازی عکس‌های دوره قاجار است. فرش در این دوره عنصری نمادین از اصالت در فرهنگ زندگی ایرانیان است که به‌عنوان پس‌زمینه یا زیرانداز در چیدمان صحنه عکس‌های پرتره یا گروهی نقشی کلیدی یافت. بسیاری از نمونه عکس‌های باقیمانده از رجال حکومتی، نظامی و علمای مذهبی تراز اول این دوران با استفاده از فرش به عنوان عنصر بصری غالب در آرایش صحنه و گاهی با هدف یادآوری ارتباط و دبستگی میان شخصیت پرتره با مفاهیم ملی و میهنی، در کاربست معنایی عکس‌ها ثبت شده‌اند.»

در این نمایشگاه محمدرضا طهماسب‌پور و تورج ژوله به عنوان مشاور و امید خاکباز نیز طراحی پوستر نمایشگاه را بر عهده داشته است. علاقه‌مندان می‌توانند برای بازدید از این نمایشگاه تا پایان فروردین ماه ۱۴۰۳ به موزه عکسخانه شهر به نشانی میدان هفتم‌تیر، میدان بهارشیراز، پارک بهارشیراز مراجعه کنند.



## «روایای شب» در ملل دیدنی شد

نمایشگاه عکس گروهی «روایای شب» این روزها در نگارخانه فرهنگسرای ملل میزبان علاقه‌مندان است. این نمایشگاه دربرگیرنده آثاری با موضوع عکاسی نجوم، ستارگان و بناهای تاریخی در شب است که توسط مجموعه عکاسان خلاق کار شده و

به نمایش درآمده است. در این نمایشگاه که تا چهارشنبه ۱۶ اسفندماه ادامه دارد، آثاری از مریم درستانی، مسلم اسلامی، مجتبی عباس‌زاده، مجید قاسمی، سهراب خالقی، حمیدرضا اسماعیل، محمد هدایتی، سعید احمدی، آریا صفوی، محمود محمدی‌زاده، سیدعماد تهامی، علی (پوریا) سعادت، فرهنگ مرادی، نیما جبرائیلی، مهدی عرفانپان صفار، علیرضا نامورزی، سید علی معزی، پارسا شیروانی، علی مهران، راضیه رضایی، رعنا کوسجی، مهرداد ملائی، سعید حسین مردی، سیدعلی علی‌پور، دهر غریبی، مجتبی ده‌پویه، سعید مولوی و منصوره موسوی به نمایش درآمده است. علاقه‌مندان به بازدید از نمایشگاه روایای شب می‌توانند تا چهارشنبه ۱۶ اسفند به نگارخانه ملل واقع در بوستان قیصریه، فرهنگسرای ملل مراجعه کنند.

